

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»  
بن – المان ، جنوری ۱۹۹۹م

## سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن  
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن  
به ادبار ، بار مذلت کشیدن  
ز اوج سعادت فرو افتادن  
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن  
به هر محفلی خویش را کم شمردن  
به دل داشتن محنت تنگدستی  
سخن های پائین و بالا شنیدن  
زهر رنگ گل بارها خار خوردن  
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن  
درین ملک سودا و وسواس کم نیست  
ترا تا ببینند دیوانه خوانند  
به بازار مکارگان پا نهادن  
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن  
عزیزان خود مفت از دست دادن  
چنین است آرزوی های غربت  
چه خوب است با اینهمه نا مرادی

غریب و دل افگار و بیمار بودن  
چنان زار بودن ، چنین خوار بودن  
به دوش همه دوستان بار بودن  
به کنج مصیبت نگونسار بودن  
به هر گوشه در آستین مار بودن  
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن  
به سودای عالم گرفتار بودن  
چو لرزنده شمشاد ، بی بار بودن  
به چشمان همسایگان خار بودن  
نه در خواب بودن ، نه بیدار بودن  
دچار چنین رنج بسیار بودن  
چه لازم درین ملک هشیار بودن  
به ناچار آنجا خریدار بودن  
به امید روز قرحبار بودن  
درین حسرت ، آزرده و زار بودن  
که بی پا و سر بر سر دار بودن  
بهم دوست بودن ، بهم یار بودن

«اسیر» این نصیحت بیاران ضرورست

وطندار خود را مددگار بودن